

نوشته: دکتر منوچهر گنجی

مسئله خاورمیانه عربی در سازمان ملل متحد

الف - مقدمه :

مسئله فلسطین برای اولین بار در سال ۱۹۴۷ توسط دولت انگلستان که بر اساس نظام سرپرستی (ماندا) جامعه ملل کشور اداره کننده فلسطین محسوب میشد در سازمان ملل متحد مطرح گردید. در تاریخ دوم آوریل ۱۹۴۷ دولت انگلستان طی نامه‌ای بعنوان دبیرکل سازمان ملل متحد درخواست نمود برای رسیدگی و اخذ تصمیم در مورد مسئله فلسطین مجمع عمومی فوق العاده تشکیل شود. بحران فلسطین در این زمان از مهاجرت دسته جمعی عده زیادی از یهودیان کشورهای مختلف به فلسطین که به خصوص از سال ۱۹۳۰ بعد در اجرای سیاست مبتنی بر اعلامیه نوامبر ۱۹۱۷ وزیر امور خارجه وقت انگلیس بنام بالفور تشدید شده بود سرچشمه میگرفت این اعلامیه بشرح زیر است :

«دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بانظر مساعد علاقه خود را بتأسیس وطن ملی در فلسطین برای یهودیان اعلام میدارد و بهترین مساعی خود را بمنظور حصول باین مقصود بکار خواهد برد ولی واضح است که هیچگونه اقدامی برضد حقوق مدنی و مذهبی مردم غیر یهود فلسطین و یا حقوق و وضعیت سیاسی که یهودیان در سایر کشورها از آن برخوردار میباشدند بعمل نخواهد آمد...»

اتحادیه عرب در اولین اجلاسیه خود در سال ۱۹۴۴ اعلامیه‌ای بدین شرح

منتشر نمود :

«شورای مشترك دول عربی، فلسطین را یکی از ارکان منطقه عربی میدانند.

دست اندازی به حقوق مردم فلسطین بدون برهم خوردن صلح و امنیت در سراسر بلاد عرب امکان پذیر نیست. تعهدات انگلستان در مورد حفظ اراضی عرب و پایان دادن به مهاجرت یهود و اعطای استقلال به اعراب بگردن بریتانیاست و بی‌پناه کردن اعراب بجای جبران مظالمی که از طرف آلمان هیتلری به یهودیان وارد شده جنایتی شبیه جنایات هیتلری در آلمان است^(۱)».

دولت ایالات متحده امریکا نیز در سال ۱۹۴۶ بطور علنی از تشکیل یک دولت یهود در فلسطین پشتیبانی مینمود. بطوریکه منصور قدر شرح میدهد^(۲) «ترومن رئیس جمهور وقت امریکا در ژانویه ۱۹۴۷ در پاسخ دبیر کل اتحادیه عرب که طی یادداشتی به دولت امریکا درباره سیاست آندولت در مورد تشکیل دولت یهود در فلسطین ابراز نگرانی نموده بود چنین مینویسد:

«دولت امریکا به اظهارات شما و عکس العمل‌های دنیای عرب و اسلام کاملاً واقف است ولی ملت و دولت امریکا از همان خاتمه جنگ جهانی اول طرفدار فکر ایجاد وطن ملی یهود در فلسطین بوده و عملیات امروز ما دنباله همان فکر سابق است... یهودیان مظلوم اروپا به میل خودشان فلسطین را ملجاء و مأوای خود انتخاب کرده‌اند و بنظر تمام ملل عالم ممنوع نمودن یک مشت یهودی آواره و بی‌خانمان از اینکه به گوشه‌ای از دنیا که فلسطین هم از آن مستثنی نیست پناه ببرند مخالف با وجدان و انسانیت است».

منصور قدر مینویسد در حالیکه عده یهودیان فلسطین قبل از جنگ بین الملل اول کمتر از ۸۵ هزار نفر بود در سال ۱۹۳۱ تعداد آنها به ۱۷۵ هزار نفر و در سال ۱۹۴۶ به بیش از ۶۰۰ هزار نفر رسیده بود. تعداد مسلمانان قبل از جنگ بین الملل اول نزدیک به ۶۰۰ هزار نفر، در سال ۱۹۳۱ بالغ بر ۷۵۰ هزار و در سال ۱۹۴۶

۱- نقل از صفحه ۳۴ کتاب: فلسطین و اسرائیل، تألیف منصور قدر، (عمان):

خرداد ماه ۱۳۴۹).

۲- ایضاً صفحات ۳۵ و ۳۶.

بالغ بریکه میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بود. بعد از جنگ جهانی دوم عملیات چریکی سازمان یهودی هاگانا در فلسطین آغاز گردید و در اثر تشدید این عملیات بود که دولت انگلستان خواستار قرار دادن مسئله فلسطین در دستور کار مجمع عمومی فوق العاده شده بود.

ب - اقدامات سازمان ملل متحد قبل از اکتبر ۱۹۵۶

۱- مجمع فوق العاده ۱۹۴۷

چون اکثریت اعضای سازمان ملل متحد با تشکیل مجمع فوق العاده برای رسیدگی به مسئله فلسطین موافقت داشتند مجمع فوق العاده از تاریخ ۲۸ ماه آوریل الی ۱۵ مه ۱۹۴۷ تشکیل شد. دولتهای عربی خواستار خاتمه سرپرستی انگلستان و اعلام استقلال فلسطین بودند دولت انگلستان خواستار تأسیس یک کمیته ویژه برای مطالعه وضع فلسطین بود. پیشنهاد کشورهای عربی بتصویب نرسید و مجمع با تأسیس کمیته ویژه مورد تقاضای انگلستان موافقت نمود و کشورهای استرالیا - کانادا - چکسلواکی - گواتمالا - هند - ایران - هلند - پرو - سوئد - اوروگوئه و یوگسلاوی را بعضویت این کمیته برگزید. وظیفه کمیته ویژه این بود که به کلیه جوانب مسئله فلسطین رسیدگی نموده و نظریات و پیشنهاد های خود را به مجمع عمومی ارائه دهد.

دولت های عرب از همان ابتدای کار کمیته ویژه اعلام داشتند که کمیته باید در بررسیها و پیشنهاد های خود منافع مشروع ساکنان فلسطین را ملحوظ دارد. کمیته ویژه پس از بازدید از فلسطین، اردن، لبنان و سوریه و اطلاع از

نظریات طرفین اختلاف^(۱) در ماه اوت ۱۹۴۷ گزارش خود را تسلیم مجمع عمومی نمود. گزارش کمیته شامل نظریات و پیشنهادهای اکثریت و اقلیت اعضای آن بود. اکثریت که از هفت کشور اوروگوئه، پرو، چکسلواکی، سوئد، کانادا، گواتمالا و هلند تشکیل میشد پیشنهاد نمود که سرزمین فلسطین بدو کشور عرب و یهود تقسیم شود، و شهر بیت المقدس بین المللی اعلام شده تحت نظارت سازمان ملل متحد اداره شود و هرسه باهم یک اتحادیه اقتصادی را تشکیل دهند. سه کشور ایران، هندوستان و یوگسلاوی با طرح تقسیم فلسطین مخالف بوده آنرا عادلانه و عملی نمیدانستند. آنها در مقابل، تشکیل یک دولت فدرال متشکل از دو ایالت عرب و یهود را که بیت المقدس پایتخت آن خواهد بود پیشنهاد نمودند^(۲). کشورهای عربی مخالفت شدید خود را با طرح تقسیم اکثریت اعلام داشتند. آنها پیشنهاد اقلیت اعضای کمیته را نیز که در اوضاع و احوال موجود ضامن سنافشان بنظر میرسید رد کردند. در مقابل کشورهای عربی خواستار تشکیل کشور مستقل فلسطین با حفظ حقوق کلیه اقلیتهای موجود در آن بودند. مجمع عمومی در دومین

۱- United Nations , **Everyman's United Nations**, (New York , U.N. Publications , 1968) . p. 91-95.

دولت انگلیس با اطلاع کمیته رساند که حاضر نیست با اعمال زور اداره فلسطین را بعهده گیرد و در صورتیکه مسئله فلسطین حل نشود انگلستان نیروی خود را از آنجا فرا خواهد خواند. نماینده کمیته عالی اعراب اعلام نمود که اعراب فلسطین مصمم هستند که با استفاده از کلیه وسایل ممکن از اجرای هر طرحی که متضمن تقسیم و تفکیک فلسطین و یا واگذاری حق مخصوصی بیک اقلیت در آن سرزمین میباشد مخالفت نمایند. نماینده آژانس یهودیان فلسطین از طرف دیگر با اطلاع کمیته رسانید که طرح کمیته ویژه را در مورد تقسیم فلسطین فقط بشرط استقلال عمل در مورد مهاجرین یهود میپذیرد.

۲- نماینده استرالیا نظر بر این داشت که هردو پیشنهاد اکثریت و اقلیت خارج از حدود اختیارات کمیته میباشد و بهمین دلیل از دادن رأی بهردو طرح امتناع ورزید.

دوره اجلاسینیه خود پس از وصول گزارش کمیته ویژه در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۷ تصمیم گرفت مسئله فلسطین و گزارش کمیته ویژه، در یک کمیته خاص^(۱) متشکل از کلیه اعضای ملل متحد مورد بررسی قرار گیرد. این کمیته پس از کسب نظر طرفین اختلاف و سایر کشورهای عضو ملل متحد^(۲) تصمیم به قبول نظریه اکثریت کمیته ویژه گرفت.

۲- قطعنامه مجمع عمومی در مورد تقسیم فلسطین

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در جلسه ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ طی قطعنامه شماره ۱۸۱ با ۳۳ رأی موافق در مقابل ۱۳ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع پیشنهاد

۱- Ad hoc Committee

۲- همانطور که دکتر انصاری در جزوه مسائل مطروح در سازمان ملل متحد، (مرکز مطالعات عالی بین المللی، سال تحصیلی ۴۹-۱۳۴۸، صفحه ۴۵) متذکر میشود:

(۱) نظر انگلستان این بود که با توجه باغتشاشات و اختلاف نظرهای شدید بین اعراب و یهودی ها، دیگر قادر به حفظ صلح و امنیت فلسطین با قوای قهریه نیست و بنابراین اگر توافقی در سازمان ملل متحد در این خصوص حاصل نشود ناچار قوای خود را از فلسطین خارج و از اداره این سرزمین که جاسعه ملل بان واگذار کرده بود صرف نظر خواهد کرد.

(۲) نظر کمیته عالی اعراب این بود که سازمان ملل متحد نبایستی تحت هیچ عنوان تصمیم به تقسیم فلسطین بدو قسمت اعراب و یهود گرفته و باین ترتیب بخواسته های یک اقلیت ترتیب اثر دهد و برای آنها در این زمینه حقی قائل شود و چنین تصمیمی با مخالفت شدید اعراب روبرو خواهد شد.

(۳) نظر نماینده آژانس یهودیهای فلسطین این بود که سازمان ملل بایستن نظر اکثریت اعضاء کمیته یازده نفری را قبول و هرچه زودتر به تشکیل یک دولت یهود که نظارت کامل بر مهاجرت یهودیهای سایر نقاط باین سرزمین داشته باشد اقدام کند.

تقسیم فلسطین به دو دولت مستقل عرب و یهود را تصویب نمود^(۱). کلیه کشورهای عضو دائم شورای امنیت جز انگلستان باین قطعنامه رأی موافق دادند^(۲). سیزده کشور که رأی مخالف دادند عبارتند از: افغانستان، ایران، پاکستان، سوریه، ترکیه، عراق، عربستان سعودی، کوبا، لبنان، مصر، هندوستان، یمن و یونان. این کشورها نظر بر این داشتند که طرح تقسیم فلسطین ناقض منشور ملل متحد و حق خود مختاری مردم فلسطین میباشد. کشورهایی که از شرکت در رأی خودداری نمودند عبارتند از: آرژانتین، السالوادور، اتیوپی، انگلستان، چین، شیلی، کلمبیا، مکزیک، هاندوراس و یوگسلاوی.

- ۱- برطبق این تقسیم ایالت یهود شامل ۵۶٫۴۷ درصد درخاک فلسطین با جمعیتی مرکب از ۹۸۴ هزار یهودی و ۹۷۰ هزار نفر عرب و ایالت عرب شامل ۲٫۸۸ درصد خاک فلسطین با جمعیتی معادل ۷۲۰ هزار نفر که شامل ۱۰ هزار نفر یهودی میشد و شهر بیت المقدس نیز شامل ۶۵٫۰ درصد خاک فلسطین میشد.
- ۲- مهمترین قسمت قطعنامه مجمع عمومی چنین اشعار میداشت:

«Recommends to the United Kingdom as the mandatory Power for Palestine , and to all other Members of the United Nations the adoption and implementation , with regard to the future government of Palestine , of the Plan of Partition with Economic Union set out below» .

در آوریل ۱۹۴۸ کمیسیون ملل متحد برای فلسطین در گزارش خود (سند ملل متحد بشماره A/۵۳۲) با اطلاع مجمع عمومی رسانید که دولت انگلستان با کمیسیون سزبوردر مورد ایفای وظائف خود براساس قطعنامه ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ بهیچوجه همکاری ننموده و اعضای کمیسیون حتی نتوانسته که برای انجام وظائف خود وارد خاک فلسطین بشوند.

قطعنامه مجمع عمومی علاوه بر تعیین حدود مرزهای دو کشور و تذکار لزوم حفظ حقوق اقلیتها و ایجاد اتحادیه گمرکی اقتصادی و ترانزیتی بین دو کشور مقرر داشت:

(الف) سرپرستی انگلستان در مورد فلسطین هر چه زودتر خاتمه پذیرد و نیروهای انگلستان حداکثر تا تاریخ اول اوت ۱۹۴۸ خاک فلسطین را ترك نمایند.
(ب) شورای قیمومت ترتیبات لازم برای اداره بین المللی شهر بیت المقدس را بدهد^(۱).

بر طبق این قطعنامه شهر بیت المقدس بین المللی اعلام گردید و بطور موقت برای مدت ده سال تحت اداره شورای قیمومت قرار گرفت. بر اساس این قطعنامه شهر بیت المقدس هم با قسمت عربی و هم با قسمت یهود وابستگی اقتصادی دارد

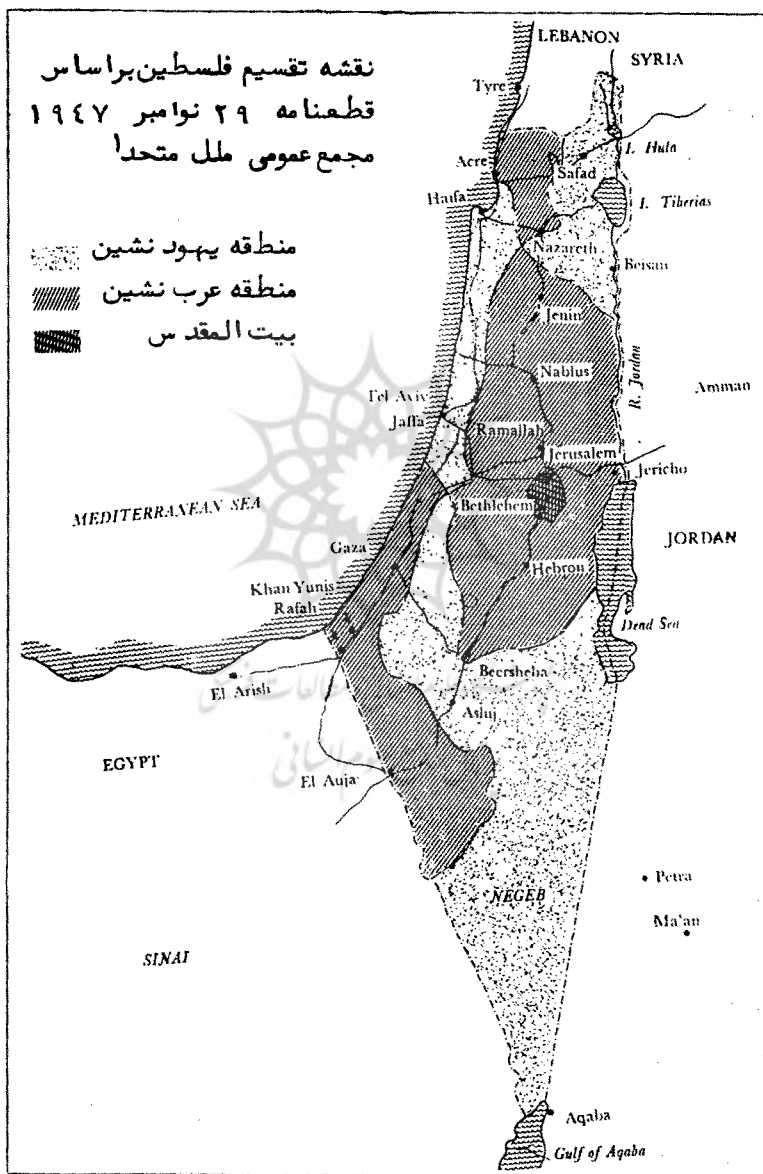
۱- شهر بیت المقدس در سال ۱۹۴۸ بدو قسمت تقسیم شد قسمتی در دست اسرائیل و قسمت دیگر در دست اردن قرار گرفت. در سال ۱۹۶۷ اسرائیل تمام بیت المقدس را اشغال کرد و برخلاف تصمیمات سازمان ملل متحد در ۲۷ ژوئن ۱۹۶۷ مجلس اسرائیل طی قانونی این شهر را جزئی از خاک خود اعلام کرد ولی عمل اسرائیل در این زمینه با عکس العمل شدید سازمان ملل متحد مواجه شد و مجمع عمومی طی قطعنامه ای در تاریخ ۴ ژوئیه ۱۹۶۷ عمل اسرائیل را غیر قانونی و بلا اثر خواند.

همچنین پس از واقعه آتش سوزی مسجد الاقصی کنفرانس سران کشورهای اسلامی در سپتامبر ۱۹۶۷ در رباط چنین تصمیم گرفت: «سران کشورهای اسلامی اعلام میدارند تهدیداتی که برضد اماکن مقدسه اسلامی در بیت المقدس مشاهده میشود نتیجه بارز اشغال نظامی این ناحیه است بنابراین برای حفظ اماکن مقدسه و دسترسی آزاد بانها اسرائیل باید این نقاط را تخلیه و بوضع قبل از ژوئن ۱۹۶۷ بازگرداند. سران کشورها اعلام میدارند که: مردم و دولت‌های آنها هر گونه تغییر وضع بیت المقدس را که بعد از آن تاریخ بوجود آمده است باطل دانسته و هر گونه راه حل مسئله فلسطین را که وضعیت بعد از ژوئن ۱۹۶۷ را برسمیت بشناسد غیر قابل قبول میدانند».

و بدین علت که مذاهب بزرگ سه گانه اسلام، مسیح و یهود و همچنین اماکن مقدسه در این شهر قرار گرفته آزادی داخلی و عبور و مرور اعراب و یهود در این قسمت مراعات میشود. قطعنامه مزبور پیش بینی میکند تحت نظارت شورای قیمومت حکومت موقتی برای مدت ۱ سال برای اداره بیت المقدس تأسیس شود و در انقضای این مدت مردم بیت المقدس در مورد ادامه آن وضع یا ترتیبات دیگری که مورد علاقه آنهاست تصمیم اتخاذ نمایند.

مجمع عمومی همچنین برای نظارت در امر اجرای قطعنامه مزبور و اداره فلسطین بعد از خروج انگلستان و قبل از تقسیم آن بر اساس تصمیم مجمع عمومی کمیسیون ملل متحد برای فلسطین^(۱) را که از نمایندگان پنج کشور بولیوی، پاناما، چکسلواکی، دانمارک و فیلیپین تشکیل میشد تأسیس نمود. در قطعنامه قید شده بود در صورتیکه کمیسیون در اجرای مفاد قطعنامه مخصوصاً در مورد اجرای طرح تقسیم فلسطین و تشکیل شورای دولتی موقت در هر یک از دو قسمت فلسطین با اشکالی مواجه شود شورای امنیت تصمیمات لازم را بمنظور بمورد اجرا گذاشتن مفاد قطعنامه مجمع عمومی اتخاذ خواهد نمود. مراقبت کامل اوضاع فلسطین و اتخاذ تصمیمات لازم بمنظور جلوگیری از تهدید علیه صلح و امنیت منطقه به عهده شورای امنیت واگذار شده بود. باید توجه داشت که در این زمان امکان اخذ تصمیم در شورای امنیت برای اجرای قطعنامه مجمع عمومی بعلت اتفاق آراء کشورهای بزرگ در زمینه تقسیم فلسطین وجود داشت. این قطعنامه یکی از طولیترین قطعنامه‌های مجمع عمومی طی مدت ۲۵ سال اخیر است.

همانطور که انتظار آن سیرت اعراب فلسطین و کشورهای عربی بطور علنی با اجرای قطعنامه مجمع عمومی در مورد تقسیم فلسطین بمخالفت برخاستند. در هشتم دسامبر ۱۹۴۷ شورای اتحادیه عرب با شرکت نخست وزیران دول عضو در قاهره تشکیل شد. در این کنفرانس کشورهای عربی تصمیم گرفتند برای جلوگیری از



۱- این نقشه از صفحه ۹۶ کتاب زیر گرفته شده است :

Sami Hadawi , **Bitter Harvest** , (New York : The New World Press , 1967) .

تقسیم فلسطین و تشکیل دولت یهود کلیه اقدامات لازم را معمول داشته بفوریت مقادیر زیادی اسلحه میان اعراب فلسطین بخصوص آنهائی که در معرض خطر صهیونیسم هستند تقسیم شود و بودجه کافی برای تجهیز داوطلبان و مخارج جنگ اختصاص دهند. همانطور که منصور قدر میگوید «اولین ستون ارتش نجات فلسطین از داوطلبان در سوریه تشکیل و در ژانویه ۱۹۴۸ وارد فلسطین گردید. ستون دوم در فوریه به فلسطین وارد و در منطقه بیان نابلس اردوزد و قسمت سوم ارتش نجات فلسطین در ماه مارس به فلسطین وارد و در نابلس (ثلث العربیه) مستقر گردید و مبارزات اعراب و یهود قیافه بسیار جدی بخود گرفت^(۱)» اعراب تصمیم داشتند هرطور شده از اجرای طرح تقسیم مجمع عمومی جاوگیری نمایند. هرروز دامنه جنگ داخلی بین اعراب که از طریق کشورهای همجوار حمایت میشدند از یکطرف و یهودیهای مقیم فلسطین که از طریق سازمانهای صهیونیستی و سازمانهای یهود سایر کشورها حمایت میشدند وسیع تر میشد.

شورای امنیت با توجه به جنگهای جاری در فلسطین و گزارش کمیسیون ملل متحد برای فلسطین در ۲۴ فوریه ۱۹۴۸ تشکیل جلسه داد و در آوریل ۱۹۴۸ زیر را اتخاذ نمود :

۱- بین اعراب و یهودیهای فلسطین هرچه زودتر ترك مخاصمه اعلام شود. یک کمیسیون بین المللی ترك مخاصمه به عضویت کشورهای عضو شورای که در بیت المقدس کنسولگری داشتند ، اسرکا ، فرانسه ، بلژیک و سوریه (این کشور از تعیین نماینده و شرکت در جلسات کمیسیون خودداری کرد) مأمور اجرای ترك مخاصمه شوند و شورای امنیت را در انجام وظایفش یاری نمایند.

۲- مجمع عمومی فوق العاده برای رسیدگی به وضع فلسطین دعوت شود. بنابه پیشنهاد شورای امنیت اجلاسیه فوق العاده مجمع عمومی در تاریخ ۱۶

۱- رجوع شود به صفحات ۳۷ و ۳۸ کتاب فلسطین و اسرائیل ، منصور قدر .

آوریل در نیویورک تشکیل و تا تاریخ ۱۴ مه ۱۹۴۸ ادامه داشت. مجمع عمومی فوق‌العاده، بکار کمیسیون ملل متحد برای فلسطین خاتمه داد و بجای آن تصمیم گرفت یک نفر میانجی بمنظور کمک به حل اختلافات موجود بین اعراب و یهود و دادن ترتیبات لازم برای حفاظت اماکن مقدسه واقع در فلسطین تعیین نماید. به پیشنهاد امریکا مجمع موافقت نمود که انتخاب شخص میانجی بعهدہ دول عضودائم شورای امنیت محول شود. کشورهای مزبور در تاریخ ۲ مه ۱۹۴۸ کنت برنادوت^(۱) رئیس صلیب سرخ سوئد را بعنوان میانجی سازمان ملل متحد برگزیدند. برنادوت فوراً بفلسطین رفت.

۳- جنگ ۱۹۴۸ اعراب و اسرائیل

انگلستان در ۱۴ ماه مه ۱۹۴۸ قوای خود را از فلسطین خارج نمود و از این تاریخ به سرپرستی انگلستان در فلسطین خاتمه داده شد. اتحادیه عرب از قبل تصمیم گرفته بود که بمحض تخلیه قوای انگلستان ارتشهای عرب برای حمایت از اعراب فلسطین وارد فلسطین شوند. بمحض خروج قوای انگلستان یهودیان فلسطین تشکیل کشور اسرائیل را اعلام داشتند و بلافاصله در همانروز (۱۵ ماه مه ۱۹۴۸) دولت اسریریکا کشور اسرائیل را برسمیت شناخت. اتحاد جماهیر شوروی نیز دو روز بعد در تاریخ ۱۷ ماه مه اسرائیل را برسمیت شناخت^(۲). ارتشهای

۱- Count Folke Bernadotte.

۲- نماینده اتحاد جماهیر شوروی ضمن نطقی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در

تاریخ ۱۴ مه ۱۹۴۷ چنین اظهار داشت :

«It is well known that aspirations of a considerable part of the Jewish people are associated with the problem of Palestine and its

بقیہ پاورقی در صفحہ بعد

کشورهای عربی بفوریت در همانروز ۱۵ مه از نقاط مرزی مختلف وارد فلسطین شدند (۱) و جنگ بین اعراب و دولت جدید التأسیس اسرائیل در گرفت.

شورا امنیت فوراً تشکیل جلسه داد و در تاریخ ۲۲ ماه مه ۱۹۴۸ طی قطعنامه‌ای از کلیه مقامات و دولت‌ها خواست که از توسل بزور و بکار بردن قوه قهریه

بقیه پاورقی از صفحه قبل

future organization , this hardly requires proff.» ?

در این نطق او نتیجه گیری کرد که طبیعتاً کمیته ویژه مجمع عمومی نمیتوانسته که این خواست مردم یهود را درسورد تشکیل یک کشور مستقل نادیده بگیرد و چنین ادامه میدهد:

«It would be unfair to refuse to reckon with it or to deny the right of jewish people to satisfaction of this aspiration» .

در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۴۷ آقای تزارا پکین نماینده دیگر اتحاد جماهیر شوروی در مجمع عمومی چنین اعلام داشت :

«We are speaking here of the right of self - determination of many hundreds of thousands of jews as well as Arabs living in Palestine, the right of the Arabs as well as of the Jews of Palestine to live freely and peacefully in their own states» .

در خاتمه سخنان خود آقای تزارا پکین اعلام داشت که اتحاد جماهیر شوروی به طرح تقسیم فلسطین رأی مثبت خواهد داد و در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ به گفته خود عمل کرد. (رجوع شود به صورت مذاکرات مجمع عمومی فوق العاده ۲۸ آوریل الی ۱۵ مه ۱۹۴۷ و دومین دوره اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد).

۱- این نیروها شامل نیروهای ارتش کشورهای مصر، سودان، عراق، سوریه، لبنان و اردن میشدند.

در فلسطین خودداری نمایند. طی قطعنامه دیگری شورای اسنیت در تاریخ ۲۹ ماه مه ۱۹۴۸ طرفین مخاصمه را به چهار هفته ترك مخاصمه^(۱) دعوت نمود. از تاریخ ۱۱ ژوئن ترك مخاصمه بمدت چهار هفته بمورد اجراء گذاشته شد. در تاریخ ۷ ژوئیه شورای اسنیت بنابه پیشنهاد میانجی سازمان ملل متحد طرفین مخاصمه را دعوت به تمدید مهلت آتش بس، بمدتی که براساس توافق بین آنها و میانجی سازمان ملل متحد تعیین خواهد شد، نمود. دولت موقت اسرائیل با تمدید مهلت آتش بس موافقت داشت لیکن اعراب با تمدید آن مخالف بودند، در نتیجه بین اعراب و اسرائیل مجدداً جنگ در گرفت.

در اثر مساعی شورای اسنیت از تاریخ ۲۷ ژوئیه مجدداً آتش بس بین اعراب و اسرائیل برقرار شد. در جنگ دوم یهودیان قسمت عمده‌ای از مناطقی را که در دست اعراب بود تصرف نمودند. قرار آتش بس دوم بارها هم از جانب اعراب و هم از جانب یهود نقض شد و بعلت عدم هماهنگی و وحدت فرماندهی که بین اعراب وجود داشت تقریباً هربار نتیجه حاصل بضرر اعراب بود.

کنت برنادوت میانجی سازمان ملل متحد در فلسطین بطور دائم با مقامات کشورهای عربی و سازمانهای یهود در تماس بود، نتیجتاً بمنظور یافتن راه حل مورد قبول طرفین در تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۴۸ او طرحی را که بعقیده وی میتوانست پایه صلح و آشتی بین اعراب و یهودیان باشد برای طرفین اختلاف ارسال داشت. در یادداشت ضمیمه طرح، برنادوت خاطر نشان ساخته بود که طرح او فقط جنبه یک پیشنهاد را دارد و تنها هدف آن شروع مذاکرات بین طرفین اختلاف است. بنابراین نباید آنرا به عنوان راه حل منحصر بفرد تلقی نمود چون یافتن چنین راهحلی تنها با موافقت طرفین اختلاف امکان پذیر است. بموجب طرح برنادوت در فلسطین یک دولت فدرال با شرکت اعراب و یهود تشکیل میگردد. حدود و سرز دو قسمت عرب و یهود با توافق طرفین تعیین میشود. علاوه بر این منطقه نقب با اعراب و قسمتی

از الجلیل غربی به یهودیان تعلق پیدا میکرد. شهر بیت المقدس در قسمت عربی فلسطین قرار میگرفت و آزادی رفت و آمد برای یهودیان نسبت بان تضمین میشد. دو قسمت عربی و یهودی فلسطین از لحاظ اقتصادی و گمرکی تشکیل یک واحد مشترك را میدادند اتخاذ تصمیم در مورد مسائل مربوط به مهاجرت جزء اختیارات حکومت مرکزی قرار گرفته بود. اعراب و اسرائیل هر دو با طرح برنادوت مخالفت نمودند. اعراب بعلت اینکه با تجزیه فلسطین مخالف بودند. یهود بعلت اینکه شهر بیت المقدس جزء منطقه عربی قرار میگرفت و در راه مهاجرت یهود به فلسطین اشکالاتی ایجاد مینمود.

کنت برنادوت و رئیس ناظران فرانسوی سرهنگ آندره سرو^(۱) در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۴۸ در قسمت مورد تصرف اسرائیل در بیت المقدس به قتل رسیدند و بجای برنات معاون فعلی دبیرکل سازمان ملل متحد رالف بانچ^(۲) بطور موقت باین سمت منصوب گردید.

در طول مدت سومین دوره اجلاسیه مجمع عمومی جنگ بین اعراب و اسرائیل در نقاط مختلف فلسطین ادامه داشت^(۳) و بطور کلی در هر مورد بضرر اعراب خاتمه میپذیرفت. منصور قدر میگوید با تشکیل دولت اسرائیل و در نتیجه جنگ عده زیادی قریب به یک میلیون عرب فلسطین بیخانمان شدند و به کشورهای عربی گریختند که از آنجمله ۴۳ هزار نفر به قسمت غربی رودخانه اردن آن قسمت از خاک فلسطین که به اردن شرقی ملحق شده بود پناهنده شدند و یکصد هزار نفر به اردن شرقی... قریب ۲۱ هزار نفر به غزه، آن قسمت دیگر فلسطین که در دست مصر

۱- Andre Serot .

۲- Rulph Bunch .

۳- برای شرح مفصل وقایع این دوره رجوع شود بصفحات ۹۵-۹۱ کتاب زیر که

است^(۱) پناه بردند، ده هزار نفر در لبنان، یکصد هزار نفر در سوریه پنج هزار نفر در مصر و پنج هزار نفر در عراق پناهنده شدند تنها یکصد و هشتاد هزار نفر از اعراب در اسرائیل باقی ماندند^(۲).

۴- قطعنامه ۱۱ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی

مجمع عمومی سازمان ملل متحد با توجه به گزارش و پیشنهادهای کنت برنادوت که قبل از مرگ وی تهیه شده بود در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۸ قطعنامهٔ مهم دیگری در مورد مسئلهٔ فلسطین بتصویب رسانید که بعد از قطعنامه ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ از جمله مهم‌ترین قطعنامه‌های مجمع عمومی در این زمینه میباشد. قطعنامه مزبور متضمن مطالب زیر است:

(۱) ایجاد یک کمیسیون سازش برای نزدیک کردن نظریات اعراب و اسرائیل و در نتیجه حل و تسویه کامل و نهائی کلیه اختلافات - این کمیسیون از نمایندگان سه کشور امریکا، ترکیه و فرانسه تشکیل شده و مدت فعالیت آن یکسال تعیین شده بود چون بعلت اختلاف نظرهای شدید بین اعراب و اسرائیل اقدامات کمیسیون به نتیجه نرسید همه ساله مجمع عمومی سازمان ملل متحد مدت فعالیت آنرا تمدید نموده است. دکتر انصاری میگوید که تابحال «فقط در مورد آزاد کردن حسابهای بعضی از آوارگان در بانکهای سابق فلسطین و جبران بعضی خسارات وارده با اعراب کمیسیون توفیقهائی کسب کرده است».

(۲) حفاظت اماکن مقدسه در بیت المقدس و تأمین دسترسی آزاد برای همه

۱- از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ تا بحال در دست اسرائیل قرار دارد.

۲- رجوع شود به صفحات ۴۱ و ۴۲ کتاب منصور قدر، تحت عنوان: فلسطین

به اماکن مزبور تحت نظارت سازمان ملل متحد^(۱).

(۳) غیر نظامی و بین المللی نمودن بیت المقدس - لزوم انجام اقدامات مقتضی از طرف شورای امنیت بمنظور تضمین موقع غیر نظامی برای بیت المقدس و صدور دستورهای لازم به کمیسیون سازش برای تهیه و ارائه پیشنهادهای جامع در مورد استقرار رژیم دائمی بین المللی در بیت المقدس^(۲).

(۴) لزوم معاودت آن دسته از آوارگان عرب فلسطینی که خواستار مراجعت و ادامه زندگی در محیط صلح و صفا با همسایگان خود در اسرائیل هستند به اسرائیل و لزوم پرداخت غرامت از طرف دولت اسرائیل در مورد اموال آنها که تصمیم به عدم مراجعت اتخاذ مینمایند و آنها که خساراتی باموالشان وارد آمده است. طبق قطعنامه یکی از وظایف کمیسیون سازش ایجاد تسهیلاتی بمنظور مراجعت اعراب به موطن اصلی خود، مستقر ساختن آنها در سایر کشورها و دادن ترتیبات لازم بمنظور پرداخت غرامت اموال آنها بود. همانطور که دکتر انصاری میگوید این قسمت از قطعنامه نیز تا کنون مراعات نشده است.

- ۱- همانطور که دکتر انصاری متذکر میشود پس از تقسیم بیت المقدس بین اردن و اسرائیل هریک از دول مذکور این مسئولیت را عهده دار شدند.
- ۲- در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۴۹ مجمع عمومی مجدداً طی قطعنامه‌ای تصمیم به بین المللی نمودن شهر بیت المقدس تحت اداره و نظارت مستقیم سازمان ملل متحد گرفت و شورای قیمومت را مأمور اجرای آن نمود با اینوصف با تقسیم شهر بیت المقدس بین اردن و اسرائیل و عدم همکاری این دو دولت با شورای قیمومت تا بحال توفیقی در این زمینه نیز حاصل نشده است. البته همانطور که قبلاً متذکر شدیم بعد از جنگ ۱۹۶۷ دولت اسرائیل تمامی بیت المقدس را تصرف نموده و برخلاف کلیه تصمیمات ارکان مختلف سازمان ملل متحد و عکس العمل اکثریت قریب باتفاق کشورهای دنیا آنرا جزئی از خاک خود اعلام داشته است.

«اعراب اسرائیل را در عدم اجرای این قسمت از قطعنامه مقصر میدانند. آنها اظهار میدارند که اسرائیل با عرابی که مایل به مراجعت به خانه‌های خود بودند اجازه مراجعت نداده است و به همین جهت این اعراب که تعداد آنها در نتیجه توالد و تناسل به سه مقابل آوارگان اولیه رسیده است تا کنون در زیر چادرها و بناهای موقت در انتظار مراجعت بموطن اصلی خود بلا تکلیف بسر میبرند و همین موضوع تولید اشکالات جدیدی نموده است.

اسرائیل بالعکس عقیده دارد که اعراب برای استفاده سیاسی، آوارگان را تحت شرایط بلا تکلیفی نگاه داشته‌اند و الا اگر آنها را آزاد می‌گذاشتند تا کنون این آوارگان در سایر کشورهای عربی برای خود کار و مأوایی پیدا میکردند همانطور که اسرائیل بعد از زیادی از یهودیانی که از سایر نقاط دنیا آمده‌اند مسکن و مأوی داده است. ضمناً اسرائیل میگوید مراجعت این عده کثیر آوارگان به سرزمین آبا و اجدادی اولیه خود در اسرائیل امنیت آن کشور را بخطر میاندازد و نمیتواند آنها را با تبلیغات شدیدی که از طرف اعراب برضد اسرائیل شده بپذیرد. اعراب این طرز فکر را مخالف نص صریح قطعنامه ۱۹۴۸ دانسته و اینطور استدلال میکنند که در قطعنامه مذکور قید و شرطی برای مراجعت آوارگان پیش‌بینی نشده است. با توجه باین وضع و اختلاف نظر شدید بین اعراب و اسرائیل از همان ابتدای امر سازمان ملل متحد کمک با آوارگان را تا تعیین تکلیف قطعی آنها بعهده گرفت و برای این امر سازمانی با اسم سازمان کمک به آوارگان فلسطین

[United Nation's Relief and Work Agency for

Palestine Refugees in the Near East (UNRWA)]

را ایجاد کرد ... اخیراً عده از این آوارگان که پس از مدتها انتظار نتیجه برای تعیین تکلیف خود بدست نیاوردند تصمیم گرفتند که خود مجهز شده و سازمانی برای مبارزه با اسرائیل ایجاد کنند این سازمان که بنام سازمان نهضت آزادی بخش فلسطین نام دارد سابقاً تحت نظر شقیری و اکنون تحت نظر یا سر عرفات اداره میشود. نظر

این دسته از آوارگان آنستکه زمین هائی که با زور از اعراب گرفته شده بایستی فقط و فقط بازور از اسرائیل پس گرفته شود وبوجود اینکه هنوز هم سازمان ملل کمکهای خود را بآوارگان ادامه میدهد ولی آنها دیگر بانتظار حل مشکل خود از طریق اقدامات سازمان ملل متحد نیستند^(۱).

از سال ۱۹۴۸ بیعد مجمع عمومی طی قطعنامه های متعدد از دولت اسرائیل خواستار اجرای قطعنامه ۱۱ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع شده است. متأسفانه تا بحال از قطعنامه های مجمع عمومی در این زمینه نتیجه ای گرفته نشده است.

۵- قرار دادهای ترك مخاصمه ۱۹۴۹

در نتیجه تلاش میانجی جدید سازمان ملل متحد در فلسطین آقای رالف بانچ، در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۴۹ یک قرار داد عمومی ترك مخاصمه^(۲) بین اسرائیل و مصر در جزیره «ردز» بامضاء رسید. قرار دادهای مشابهی نیز در تاریخ ۲۳ مارس بین لبنان و اسرائیل و در تاریخ^(۳) آوریل بین اردن و اسرائیل و در تاریخ ۲۰ ژوئیه بین سوریه و اسرائیل بامضاء رسید. بموجب این قرار دادها کمیسیون های مختلط ترك مخاصمه^(۴) برای نظارت بر اجرای مفاد قرار دادها تأسیس شد. البته باید توجه داشت که کلیه این قرار دادها مربوط به ترك مخاصمه بوده و تا این تاریخ قرار داد صلح بین اسرائیل و کشورهای عربی بامضاء نرسیده است و در واقع حالت جنگ بین آنها هنوز ادامه دارد.

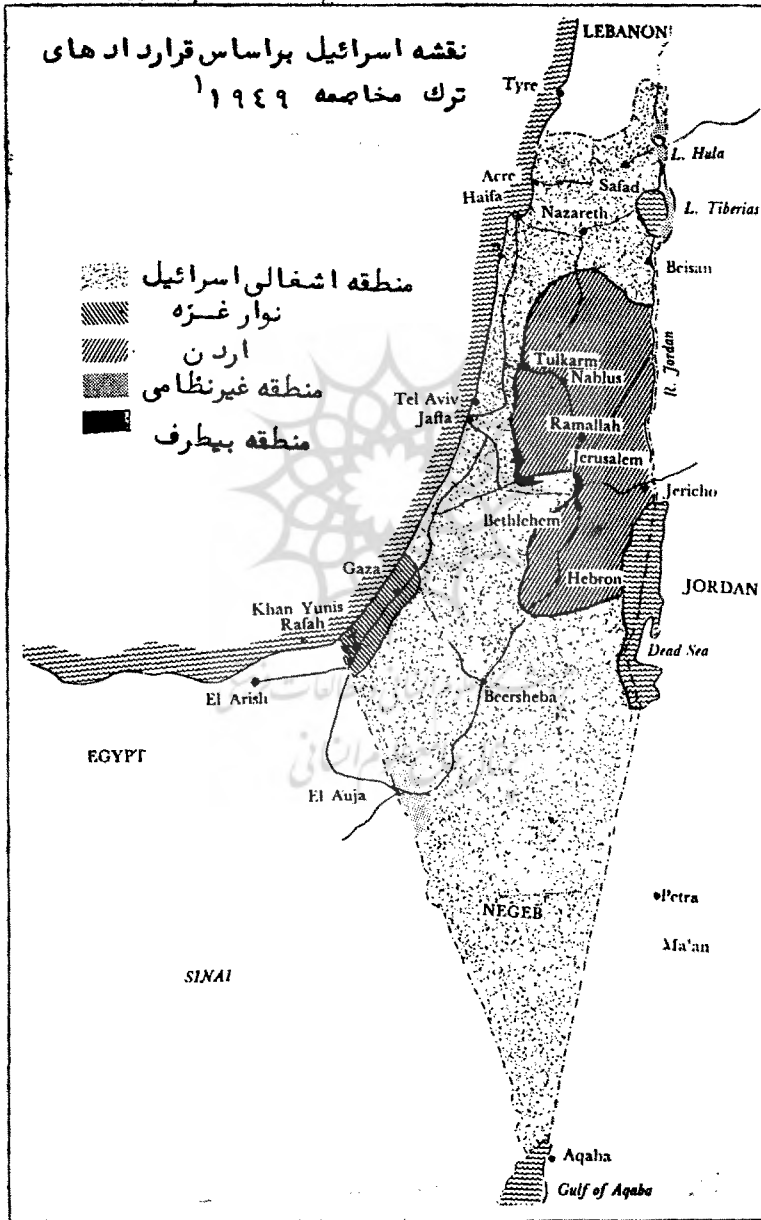
۱- رجوع شود به صفحات ۵۰ الی ۵۱ جزوه دکتر انصاری تحت عنوان «مسائل

مطروح در سازمان ملل متحد».

۲- General Armistice Agreement

۳- Rhodes

۴- Mixed Armistice Commissions



۱- رجوع شود به صفحه A ۱۱۲ کتاب زیر :

Sami Hadawi , **Bitter Harvest** , (New York : The New World Press , 1967)

در تاریخ ۱۱ اوت ۱۹۴۹ شورای امنیت طی قطعنامه‌ای از اعراب و اسرائیل خواست که برای برقراری صلح بطور مستقیم یا از طریق استفاده از کمیته سازش فلسطین بایکدیگر بمذاکره پردازند. در همین قطعنامه شورای امنیت به مأموریت میانجی موقت سازمان ملل متحد خاتمه داد و مقرر داشت که برای نظارت بر آتش‌بس بین اعراب و اسرائیل و بمنظور اجرای قرار دادهای ترك مخصوصه تا آن زمان که لازم باشد از خدمت هیأت ناظران سازمان ملل متحد در محل استفاده شود. در نتیجه این تصمیم، از سال ۱۹۴۹ تا باسروز سازمان نظارت بر متار که جنگ^(۱) در کشورهای عربی و اسرائیل مستقر شد، است و بطور مستمر شورای امنیت را در جریان وضع اجرای قرار دادهای ترك مخصوصه و موارد نقض آن قرار میدهد. در رأس این سازمان رئیس متاد نظارت بر متار که جنگ که از طرف شورای امنیت انتخاب میشود قرار دارد. شخص مزبور همچنین ریاست هریک از چهار کمیته مختلط ترك مخصوصه را نیز که هریک از آنها مسئول اجرای یکی از قرار دادهای ترك مخصوصه میباشد بعهدہ دارد و در مورد لزوم گزارشهایی در این زمینه به شورای امنیت تسلیم میدارد.

از سال ۱۹۵۱ تا بحال شورای امنیت جلسات بسیاری بمنظور رسیدگی و اخذ تصمیم نسبت به شکایات اعراب و اسرائیل علیه یکدیگر در زمینه نقض قرار دادهای ترك مخصوصه تشکیل داده است تقریباً در هریک از این موارد شوری قبل از اخذ هرگونه تصمیم از سازمان نظارت بر متار که جنگ در خاورمیانه عربی خواسته است که نتیجه بررسیهای خود را به اطلاع شورای امنیت برساند.

۶- ارزش حقوقی قطعنامه مجمع عمومی در مورد تقسیم فلسطین

همانطور که از متن مواد منشور^(۱) در مورد وظایف و اختیارات مجمع عمومی برمیآید تصمیمات مجمع عمومی، جز در موارد مربوط به اجرای وظایف سرپرستی مجمع در مورد سایر ارکان ملل متحد، اسرمالی، استخدامی، انتخاباتی و اصلاحاتی که شامل تصویب بودجه سالانه سازمان و تعیین سهمیه کشورها و تصویب مقررات استخدامی سازمان ملل متحد، پذیرش عضو جدید، تعلیق حقوق و مزایای اعضاء ملل متحد، اخراج کشوری از عضویت ملل متحد، انتخاب اعضاء سایر ارکان، تغییر و ترمیم منشور، ارزش توصیه را دارد. بنابراین قطعنامه ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی در مورد تقسیم فلسطین از لحاظ حقوقی تنها ارزش توصیه را داشته و نمیتوانسته بشکلی که مجمع عمومی درصدد اجرای آن برآمد لازم الاجراء باشد^(۲). علاوه بر این در قطعنامه مزبور از شورای امنیت خواسته شده بود تا برای بمورد اجراء گذاشتن آن اقدامات لازم را معمول دارد. غافل از اینکه وظایف و اختیارات شورای امنیت منحصر به مواردی است که مرتبط به حفظ صلح و امنیت بین المللی شده^(۳) و شامل اجرای قطعنامه های مجمع عمومی از جمله پیاده کردن نقشه تقسیم فلسطین نمیشود و شوری نمیتواند بمنظور بمورد اجراء گذاشتن برنامه و نقشه خاصی تنها براساس تصمیم مجمع عمومی دست با اقدامات اجرائی بزند. بنابراین بمورد

۱- رجوع شود به مواد ۴، ۵، ۶، ۱۰، ۱۷، ۳۵، ۶۰، ۶۱، ۸۶، ۹۷،

۱۰۰، ۱۰۸، ۱۰۹ منشور و ماده ۴ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری.

۲- بین تصمیمات مجمع در مورد ایزیان غربی و تشکیل دولت موقت ملل متحد در آن سرزمین که با موافقت دول ذینفع انجام گرفت و همچنین تصمیمات مجمع در مورد استقلال سایر مستعمرات و این تصمیم هم از لحاظ محتوی و هم از لحاظ نحوه اجرا فرق زیادی دیده میشود. برای مقایسه رجوع شود به متن قطعنامه های مجمع عمومی.

۳- رجوع شود به فصول ۶ الی ۸ منشور.

اجراگذاردن طرح تقسیم فلسطین از طریق شورای امنیت براساس قطعنامه مجمع عمومی خارج ازحدود وظایف و اختیارات شورای امنیت بود و بهمین دلیل نیز شورای امنیت با وجود صراحتی که قطعنامه مجمع عمومی در مورد اقدامات شورای امنیت داشت در این زمینه هیچگونه اقدامی ننمود. بند (C) قطعنامه مزبور اشعار میداشت که :

«The Security Council determine as a threat to the peace , breach of the peace or act of aggressin , in accordance with Article 39 of the Charter , any attempt to alter by force the settlement envisaged by this resolution.»

میتوان گفت که در این مورد مجمع عمومی نیز عملاً از حدود وظایف و اختیارات خود طبق منشور پافراتر نهاد است.

۷- ورود اسرائیل بسازمان ملل متحد

تاسال ۱۹۴۹ کشور اسرائیل از طرف عده زیادی از کشورهای برسمیت شناخته شد و در همان سال دولت اسرائیل تقاضای عضویت در سازمان ملل متحد را نمود. کشورهای عربی شدیداً با عضویت اسرائیل در سازمان ملل متحد مخالفت کردند. آنها میگفتند که اسرائیل قطعنامه های سازمان ملل متحد ، از جمله قطعنامه ۱۱ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی را نادیده گرفته است ، قاتلین کنت برنادوت را تعقیب نمیکند. مجمع عمومی از دولت اسرائیل خواست که قطعنامه های سازمان ملل متحد را در مورد بیت المقدس ، در مورد آوارگان عرب و در مورد تقسیم فلسطین محترم

شمارد . اسرائیل تعهد نمود که براساس تصمیمات ملل متحد اقدام نماید^(۱) . در نتیجه علی‌رغم مخالفت کلیه دول عربی مجمع عمومی در چهارمین دوره اجلاسیه خود براساس پیشنهاد شورای امنیت^(۲) طی قطعنامه شماره ۲۷۳ با ۳۷ رأی موافق در مقابل ۱۲ رأی مخالف و ۹ رأی ممتنع با عضویت اسرائیل در سازمان ملل متحد موافقت نمود^(۳) .

۸- مسئله آوارگان فلسطین

همانطور که قبلاً متذکر شدیم با تشکیل دولت اسرائیل و بروز جنگ بین

۱- قسمتی از قطعنامه مجمع عمومی در مورد قبول عضویت اسرائیل در سازمان ملل متحد

چنین اشعار میدارد :

«Recalling its resolution of November 29 , 1947 and December 11 , 1948 and taking note of the declarations and explanations made by the representative of the Government of Israel before the **ad-hoc** Political Committee in respect of the implementations of the said resolutions ».

«The General Assembly... »

«Decides to admit Israel to membership of the United Nations».

با این وصف اسرائیل از آن تاریخ تا بحال عملاً با اجرای قطعنامه‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ - مخالفت نموده است .

۲- رأی شورای امنیت در مورد پیشنهاد عضویت اسرائیل در سازمان ملل متحد ، ۹ موافق یک مخالف (کشور مصر) و یک ممتنع (کشور انگلستان) بود .

۳- دولت ایران برای ابراز همدردی با کشورهای عربی بعضویت اسرائیل در سازمان ملل متحد رأی مخالف داد .

اعراب و اسرائیل قریب به یک میلیون عرب فلسطینی بیخانمان شده و به کشورهای عربی همجوار گریختند^(۱). منصور قدر میگوید «گرچه در اسکان پناهندگان تلاش فراوان شد ولی تا قبل از جنگ ژوئن ۱۹۶۸ هنوز سیصد هزار نفر از آنها در زیر چادر زندگی میکردند. پس از جنگهای ژوئن ۱۹۶۷ مجدداً بیش از ششصد هزار نفر به اردن شرقی پناه بردند که اکثراً در اردوگاهها و زیر چادر زندگی مینمایند^(۲)» عملیات تروریستی از طرف سازمانهای یهود در طول مدت جنگ علیه اعراب و همچنین تبلیغات رادیوهای عربی در سال ۱۹۴۸ فلسطینیها را به فرار از فلسطین تشویق نموده و اطمینان میدادند بزودی پس از شکست صهیونیستها آنها را برای همیشه به وطن خود باز میگردانند باعث شد که بسیاری از اعراب فلسطین محل زندگی خود را ترک نموده و در کشورهای عربی مجاور پناهنده شوند.

آرزوی آوارگان عرب همیشه این بوده که روزی بموطن اصلی خود بازگردند. عدهای از آنها هنوز هم این امید را در دل دارند بنابراین تمایلی باینکه برای همیشه در سرزمین دیگری مستقر شوند از خود نشان نمیدهند.

برنامه کمک سازمان ملل متحد به آوارگان فلسطین از نوامبر ۱۹۴۸ آغاز شد. در این تاریخ مجمع عمومی اعتباری بمبلغ ۵ میلیون دلار برای کمک به آوارگان فلسطین

۱- بطوریکه میانجی سازمان ملل متحد در سپتامبر ۱۹۴۸ در گزارش خود به مجمع عمومی مینویسد (صفحه ۴۷ سند ملل متحد تحت شماره A/۹۲۷ مورخ ۲۱ ژوئن ۱۹۴۹):

«As a result of the conflict in Palestine, almost the whole of the Arab population fled or was expelled from the area under Jewish occupation. This included the large Arab population of Jaffa, Haifa, Acre, Ramleh and Lydda».

۲- رجوع شود به صفحه ۴۲ کتاب: فلسطین و اسرائیل.

تصویب نمود و از کشورهای عضو ملل متحد خواست که بطور داوطلبانه بصندوق مخصوص آوارگان فلسطین کمک کنند.

در اکتبر ۱۹۴۹ کارگزاری دستگیری و کار ملل متحد برای آوارگان فلسطین (UNRWA)^(۱) توسط مجمع عمومی از محل کمک های داوطلبانه کشورهای عضو ملل متحد تأسیس گردید و جای سازمان دستگیری از آوارگان فلسطین ملل متحد را که در سال ۱۹۴۸ برای کمک به آوارگان عرب تأسیس شده بود گرفت. این کارگزاری از ارکان مجمع عمومی بوده و بودجه آن از کمک های داوطلبانه تأمین میشود و در حال حاضر به بیش از ۴۰۰۰ پناهنده در اردن هاشمی، لبنان، مصر و سوریه و نوار غزه کمک میکند. اداره امور کارگزاری بایک کمیسر کل^(۲) است که از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد انتخاب میشود. مقر کارگزاری در بیروت است و کارکنان کارگزاری و ادارات آن در کشورهای عربی محل اقامت آوارگان فلسطین مستقر میباشند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کمک های کارگزاری بر طبق نیازمندیهای موجود ب سه طبقه، دستگیری، آموزش و خدمات بهداشتی تقسیم میشود.

در حدود ۵۰ درصد از اعتبارات آن صرف دستگیری از نیازمندان منجمله، جیره بندی غذایی، غذای اضافی برای کودکان، بیماران و پیران، مسکن برای آوارگان در اردوگاهها و در موارد ضروری پوشاک و مساعدت های دیگر میشود، در حدود ۳۰ درصد دیگر اعتبارات آن صرف خدمات بهداشتی میشود. خدمات بهداشتی کارگزاری، از کمک های سازمان بهداشت جهانی نیز برخوردار است.

با توجه باین که نیمی از آوارگان کمتر از ۱۸ سال دارند و خدمات آموزشی

۱- United Nations Relief and Works Agency for Palestine Refugees.

۲- Commissioner - General

برای آنان امری حیاتی است با کمکهای کارگزاری ویونسکو در حدود ۲۸۰۰۰ نفر از نعمت آموزش بهره میگیرند. عده‌ای از بااستعدادترین آنها بورس‌های تحصیلی دانشگاهی نیز دریافت داشته‌اند. (در حدود ۴۰۰۰ نفر) نیز در مراکز تعلیمات حرفه‌ای و تربیت معلم کارگزاری مشغول تحصیل هستند. گزارشهای کارگزاری همه ساله در مجمع عمومی مورد رسیدگی قرار گرفته بودجه و نحوه کار آن بتصویب مجمع میرسد. این کارگزاری که ابتدا بطور موقت ایجاد شد بعلت ادامه اختلافات اعراب و اسرائیل و لاینحل ماندن مسئله آوارگان عملاً تبدیل بیک سازمان تقریباً دائمی شده است. بودجه سال ۱۹۷۰ آن در حدود چهل و پنج میلیون دلار بود.

مسئله آوارگان فلسطین، که طبق آمار سازمان ملل متحد تنها تعداد آنها بیکه از کمکهای کارگزاری دستگیری و کار ملل متحد در سال ۱۹۷۰ برخوردار بودند به یک میلیون و نیم میرسید^(۱)، از لحاظ انسانیت و بشردوستی یکی از سهرترین مسائل روز جهان معاصر است. پیدا کردن هرگونه راه حل دائمی و منصفانه برای اختلافات اعراب و اسرائیل بطور قطع وابسته به پیدا کردن یک راه حل منصفانه و صحیح برای حل مسئله آوارگان فلسطین است. در سالهای اخیر دولت اسرائیل هرگونه اقدام در مورد حل مسئله آوارگان را وابسته به حل مسئله فلسطین بطور کلی و برقراری صلح در خاورمیانه عربی دانسته است. علاوه بر این دولت اسرائیل با مراجعت آوارگان به آن کشور موافق نبوده عقیده دارد که راه حل مسئله را در استقرار آنها در کشورهای عربی باید جستجو نمود. این دولت از لحاظ اصولی موافقت خود را با پرداخت غرامت در مورد خسارات مالی به آوارگان اعلام داشته لیکن همانطور که گفته شد اجرای آنرا موکول به حل کلیه اختلافات اعراب و اسرائیل نموده است. در مقابل این برداشت کشورهای عربی عقیده دارند که مسئله آوارگان

۱- جمع تعداد آوارگان اعم از آنها که از سازمان کمک با آوارگان فلسطین کمک

دریافت میداشتند و سایرین در سال ۱۹۶۷ معادل ۸۰۰۰ + ۱۷۸ نفر بوده است.

یک مسئله انسانی است و بنابراین باید دور از ملاحظات سیاسی حل و فصل گردد. آنها براین عقیده بوده‌اند که تنها راه حل عملی دادن اسکان باآوارگان در مراجعت به موطن اصلی خود یا دریافت غرامت و استقرار در کشورهای دیگر است.

۹- وضع خاورمیانه عربی بین سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۵۶

در نتیجه اقدامات کمیسیون سازش سازمان ملل متحد کشورهای عربی و اسرائیل همگی در تاریخ ۱۲ مه ۱۹۴۹ با امضای پروتکل‌های مشابه طرح تقسیم فلسطین را بر اساس قطعنامه ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ پذیرفته و آنرا پایه و اساس مذاکرات ارضی فیما بین اعلام داشتند. باینصورت در مذاکرات بعدی که بین کمیسیون سازش و اعراب از یکطرف و کمیسیون سازش و اسرائیل از طرف دیگر انجام میگرفت دولت اسرائیل اعلام داشت که سرحدات موجود باید پایه و اساس مذاکرات قرار گیرد. با این ترتیب دولت اسرائیل برای اولین بار مخالفت خود را بطور صریح و علنی در مورد اجرای قطعنامه تقسیم فلسطین و پروتکل ۱۹۴۹ که خود امضاء کننده آن بود اعلام داشت. سرحداتی که اسرائیل خواستار آن بود همانا سرحدات ناشی از جنگ ۱۹۴۸ اعراب و اسرائیل بود^(۱). اعراب که در اثر اقدامات کمیسیون سازش بالاخره برای اولین بار سرحدات قطعنامه ۱۹۴۷ را پذیرفته بودند عکس العمل اسرائیل را بعنوان نمونه بارز دیگری از سیاست توسعه طلبانه آن کشور و نادیده گرفتن قطعنامه‌های سازمان ملل متحد تلقی نمودند. البته توجه داریم که مساحت آن قسمت از فلسطین که قطعنامه ۱۹۴۷ مجمع عمومی برای یهودیان فلسطین تعیین نموده بود معادل ۵۶۰۰ میل مربع بود در حالیکه کل مساحت اراضی که اسرائیل بعد از جنگ ۱۹۴۸ تحت قلمرو خود داشت معادل ۸۰۴۸ میل مربع بود.

در سال ۱۹۵۱ کمیسیون سازش در دهمین گزارش خود به مجمع عمومی

۱- رجوع شود به صفحات ۷ و ۸ سوین گزارش کمیسیون سازش سازمان ملل متحد

متذکر شد که هیچیک از طرفین خواستار اجرای قطعنامه‌های مجمع عمومی و ایجاد ثبات واقعی در فلسطین که اساس کار کمیسیون سازش است نیستند.

از آغاز تشکیل کشور اسرائیل، دولت مصر اجازه عبور و سرور از طریق کانال سوئز بمقصد اسرائیل را ممنوع نمود تا بالاخره در ماه اوت ۱۹۵۱ دولتهای انگلیس، آمریکا و فرانسه از شورای امنیت خواستند از دولت مصر بخواهد که به محدودیت عبور کشتیها از کانال سوئز پایان داده اصل آزادی کامل کشتیرانی را در کانال سوئز محترم شمارد. شورای امنیت طی قطعنامه مورخ اول سپتامبر ۱۹۵۱ جلوگیری از کشتیرانی در کانال سوئز را مخالف اصل آزادی کشتیرانی شاهره ارتباطی بین المللی اعلام داشت و از دولت مصر خواست که بهر نوع محدودیت کشتیرانی تجاری در کانال سوئز پایان دهد لیکن دولت مصر از عبور کشتیهائی که مقصد آنها اسرائیل بود هم چنان جلوگیری مینمود. بهمین دلیل در ماه مارس ۱۹۵۴ مجدداً جلسه شورای امنیت برای رسیدگی باین موضوع تشکیل شد. نماینده زلاند جدید طرح قطعنامه‌ای بمنظور مراعات آزادی کشتیرانی در کانال و دعوت دولت مصر به محترم شمردن تعهدات ناشی از منشور ملل متحد را مطرح ساخت. دولت شوروی به طرح قطعنامه مزبور رأی منفی داد و در نتیجه طرح قطعنامه بتصویب نرسید.

از اواخر سال ۱۹۴۸ در سیاست دولت شوروی نسبت با اسرائیل تغییرات اساسی صورت گرفت. این تغییرات در جهت مخالفت روز افزون شوروی با اسرائیل بعنوان «پایگاه امپریالیسم امریکا» و برقراری روابط نزدیک روز افزون با کشورهای عربی بود تا جائیکه در فوریه ۱۹۵۳ روابط دو کشور برای مدت شش ماه قطع شد^(۱). اتحاد جماهیر شوروی اولین و توینفع اعراب در شورای امنیت را در دسامبر ۱۹۵۳

۱- پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ شوروی روابط سیاسی خود را با اسرائیل قطع کرد و

در حال حاضر (ژوئن ۱۹۷۱) در صدد برقراری مجدد روابط سیاسی است.

هنگام طرح مسئله روداردن صادر کرد. دومین وتوی شوروی بنفع اعراب همانطور که اشاره شد در ماه مارس ۱۹۵۴ بکار برده شد. پس از خودداری کشورهای غربی در مورد فروش اسلحه به مصر و سوریه و روی کار آمدن خروشچف در شوروی و موافقت در مورد قرارداد فروش اسلحه از طرف چکسلواکی به مصر در سال ۱۹۵۵ (در مقابل پنجه و برنج مصر) روابط مصر و شوروی بیش از پیش توسعه یافت. اتحاد جماهیر شوروی خوب میدانست که فروش اسلحه با اعراب باعث کمکهای نظامی هرچه بیشتر کشورهای غربی به اسرائیل میشود و نتیجه آن بالا رفتن روز افزون سطح تقاضای کشورهای غربی، بخصوص مصر در مورد دریافت تجهیزات نظامی از شرق خواهد بود. اتحاد جماهیر شوروی ایجاد این چنین وضعی را منطبق با سیاست خود سببی بر نفوذ روز افزون در منطقه خاورمیانه میدانست. در هر دو صورت برد یا باخت اعراب در جنگ احتمالی، برنده واقعی شوروی بود زیرا در صورت باخت، اعراب محتاج به سلاح و تجهیزات بیشتر بودند که نتیجه آن وابسته شدن هرچه بیشتر آنها با اتحاد جماهیر شوروی میشد. در صورت برد نیز طبیعتاً خود را مدیون کمکهای نظامی اتحاد جماهیر شوروی میدانستند.

سیاست دولتهای امریکا، انگلستان و فرانسه در فاصله سالهای ۱۹۴۸ الی ۱۹۵۶ مبتنی بر پشتیبانی از اسرائیل و دادن کمکهای مالی، اقتصادی و نظامی فراوان بآن کشور بود.

با توجه بمراتب فوق بین سالهای ۱۹۴۹ و ۱۹۵۶ مقررات قرار دادهای ترک مخاصمه یا از طرف اسرائیل و یا از طرف اعراب نقض میشد و در نتیجه سازمان نظارت بر متارکه جنگ و شورای امنیت سازمان ملل متحد بطور دائم صحنه شکایات اعراب علیه اسرائیل و اسرائیل علیه اعراب شده بود^(۱). در این دوره نتیجه مثبتی

۱- برای اطلاع بیشتر در این زمینه رجوع شود به صفحات ۷۵ و ۷۶ :

از اقدامات سازمان ملل متحد در حل اختلافات اعراب و اسرائیل حاصل نشد. **ب - ملی شدن کانال سوئز و حمله اکتبر ۱۹۵۶ اسرائیل ، انگلیس و فرانسه**

به مصر

در تاریخ ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۶ دولت مصر اداره امور کانال سوئز را ملی اعلام داشت و به امتیاز شرکت عمومی کانال سوئز خاتمه داد. همزمان با این عمل دولت مصر همچنین اعلام نمود که به صاحبان سهام شرکت کانال براساس ارزش روز سهام در بازار غرامت پرداخت خواهد شد. ملی کردن کانال سوئز موجب نارضائی فرانسه و انگلستان که در شرکت عمومی کانال سوئز منافع فراوانی داشتند گردید.

در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۶ دولتهای فرانسه و انگلستان از شورای امنیت خواستند که برای رسیدگی به عمل یکجانبه دولت مصر در مورد ملی کردن کانال سوئز که بعقیده آنها مخالفت نظام اداره بین المللی کانال براساس قرار داد ۱۸۸۸ بود تشکیل جلسه دهد. دولت مصر نیز بعلت تهدیدها ئی که در زمینه بکار بردن قدرت نظامی علیه آن کشور از طرف دولتهای انگلستان و فرانسه بعمل آمده بود^(۱)

۱- پس از اعلام ملی شدن کانال سوئز دولت انگلستان از کشورهای طرف قرارداد ۱۸۸۸ و دیگر کشورهای ذیسهام در استفاده از کانال سوئز برای تشکیل کنفرانس در لندن دعوت نمود. این کنفرانس در دو نوبت بین تاریخ ۱۶ الی ۲۴ اوت و ۱۹ الی ۲۱ سپتامبر با شرکت نمایندگان بیست و دو کشور تشکیل شد. تصمیم کنفرانس دول این بود که اداره کانال باید از طریق یک شورای بین المللی صورت گیرد. در کنفرانس دوم مسئله تشکیل شورای کشورهای استفاده کننده از کانال سوئز بتصویب رسید. چون دولت مصر با این تصمیمات مخالفت نمود دولتین انگلستان ، فرانسه و امریکا جلوی استفاده از حسابهای بانکی آن کشور را در خاک خود گرفتند. دولتین فرانسه و انگلیس بمصر اعلام کردند که اگر تصمیمات کنفرانس لندن را محترم نشمارد علیه آن کشور دست با اقدامات نظامی خواهند زد.

در تاریخ ۲۴ سپتامبر تقاضای تشکیل فوری جلسه شورای امنیت را نمود. شورای امنیت ضمن قرار دادن هر دو موضوع در دستور کار خود ابتدا توجه خود را به شکایت فرانسه و انگلستان معطوف داشت. در اثر توافقهائی که در نتیجه اقدامات دبیر کل سازمان ملل متحد بین وزرای امور خارجه مصر، فرانسه و انگلستان صورت گرفت اصول زیر در تاریخ ۱۳ اکتبر با توافق آراء بتصویب شورای امنیت رسید:

- ۱- عبور آزاد از کانال سوئز برای کلیه کشتیها بدون هیچگونه تبعیض
- ۲- احترام بحق حاکمیت مصر
- ۳- اداره کانال سوئز خارج از هرگونه ملاحظات سیاسی - ملی یا بین المللی
- ۴- تعیین میزان حق العبور با توافق دولت مصر و دولتهای استفاده کننده

از کانال

۵- تخصیص مبلغ عادلانه ای از وجوه دریافتی از حق العبور برای بهبود وضع

کانال

۶- حل اختلافات موجود بین شرکت کانال سوئز و دولت مصر از طریق

حکمت

در حالیکه دبیر کل سازمان ملل متحد بمنظور حل مسئله کانال سوئز مشغول آماده ساختن سه کشور مصر، انگلیس و فرانسه به شرکت در مذاکرات مستقیم بر اساس قطعنامه شورای امنیت بود نیروهای اسرائیل به خاک مصر حمله بردند. ۲۹ اکتبر یعنی روز تجاوز قوای اسرائیل به مصر، درست آرزوی بود که برای مذاکرات سه کشور تعیین شده بود. در همین روز دولت آمریکا طی نامه ای خطاب برئیس شورای امنیت با اطلاع شوری رسانید که برخلاف قرارداد ترک ۱۹۴۹ مصر و اسرائیل، نیروهای اسرائیلی مسافت زیادی در داخل خاک مصریشروی کرده اند دولت اسریرکا تقاضا نمود که جلسه شورا امنیت بی درنگ برای بررسی مسئله تجاوز اسرائیل علیه مصر تشکیل شود. شورای امنیت طی چهار جلسه از ۳ اکتبر تا اول نوامبر ۱۹۵۶ موضوع تجاوز اسرائیل را مورد بررسی قرار داد. دو طرح قطعنامه

یکی از طرف نماینده آمریکا و دیگری توسط نماینده شوروی بشوری تسلیم شد. در هر دو طرح با اسرائیل اخطار شده بود که فوراً به پشت خط ترك مخاصمه ۱۹۴۸ عقب نشینی کند. بعلت وتوی فرانسه وانگلیس هیچیک از این دو طرح بتصویب شوری نرسید.

در روز ۳۱ اکتبر هواپیماهای جنگی فرانسوی وانگلیسی حملات هوایی وسیعی را علیه مواضع نظامی وشهرهای مصر آغاز کردند. در همین روز نماینده یوگسلاوی در شورای امنیت بعلت بن بست می که فرانسه وانگلیس با بکار بردن وتو در شورای امنیت ایجاد نموده بودند پیشنهاد نمود که شورای امنیت براساس قطعنامه اتحاد برای صلح خواستار تشکیل مجمع عمومی فوق العاده شود. این پیشنهاد با وجود مخالفت فرانسه وانگلیس با اکثریت ۷ رأی موافق بتصویب رسید^(۱).

اجلاسیه فوق العاده مجمع عمومی برای رسیدگی به تجاوز اسرائیل ، فرانسه وانگلیس بمصر از اول تا دهم نوامبر ۱۹۵۶ تشکیل شد و در ۲ نوامبر طرح قطعنامه ایراکه دولت آمریکا پیشنهاد نموده بود تصویب کرد. در این قطعنامه مجمع عمومی :

۱- از کلیه کشورهای در حال جنگ مصر را تقاضا دارد که فوراً آتش بس اعلام کنند.

۲- از دو کشور مصر و اسرائیل مصر را تقاضا دارد که قوای خود را به پشت خط ترك مخاصمه ۱۹۴۹ عقب کشیده ومقررات قرارداد ترك مخاصمه ۱۹۴۹ را محترم شمارند.

۳- به کلیه کشورها توصیه مینماید که از ارسال سلاحهای نظامی به منطقه مخاصمه وبطور کلی از هر گونه اقدامی که موجب تأخیر در اجرای مفاد این قطعنامه شود خودداری نمایند.

۱- استرالیا و بلژیک باین قطعنامه رأی ممتنع دادند.

۴- تقاضا دارد که بمحض برقراری آتش بس تدابیر لازم برای باز شدن کانال سوئز و آزادی عبور از آن اتخاذ شود.

۵- از دبیر کل میخواهد که هرچه زودتر گزارشی در زمینه اجرای این قطعنامه به شورای امنیت و مجمع عمومی تسلیم دارد^(۱).

به پیشنهاد کانادا در تاریخ ۴ نوامبر مجمع عمومی طی قطعنامه شماره ۹۹۸ از دبیر کل خواست که ظرف ۸ ساعت طرحی برای ایجاد یک نیروی اسدادی ملل متحد^(۲) بمنظور نظارت در ترك سخاصمه و اجرای مفاد قطعنامه ۲ نوامبر به مجمع عمومی تسلیم نماید. تأسیس نیروی فوق العاده مزبور بموجب قطعنامه ۵ نوامبر^(۳) مجمع عمومی بتصویب رسید و در تاریخ ۷ نوامبر مجمع عمومی اصولی را که دبیر کل برای تشکیل نیروی فوق العاده ملل متحد و طرز کار آن پیشنهاد نموده بود تصویب کرد^(۴). وظایف نیروی اسدادی علاوه بر نظارت بر ترك سخاصمه و اجرای مفاد قطعنامه ۲ نوامبر مجمع عمومی، نظارت در مورد عبور و مرور آزاد کشتیها در تنگه تیران نیز بود. نیروی فوق العاده ملل متحد از تاریخ ۱۵ نوامبر بتدریج وارد خاک

۱- قطعنامه شماره (ESI) ۹۹۷ مجمع عمومی فوق العاده، در همان روز تصویب این قطعنامه نیروهای اسرائیل شبه جزیره سینا و غزه را اشغال کردند و تا ۵ نوامبر مدخل خلیج عقبه را تحت کنترل خود درآوردند. در تاریخ ۲ نوامبر نیروهای فرانسوی در منطقه پرت سعید مستقر گردیدند در تاریخ ۳ نوامبر دبیر کل به شورای امنیت و مجمع عمومی گزارش داد که دولت مصر قطعنامه ۲ نوامبر را پذیرفته ولی اعلام داشتند مادام که تجاوز نیروهای اسرائیلی و فرانسوی و انگلیسی در خاک مصر ادامه دارد عملاً قادر به اجرای مفاد آن نیست.

۲- United Nations Emergency Force

۳- قطعنامه شماره (ES-I) ۱۰۰۰

۴- قطعنامه شماره (ES-I) ۱۰۰۱

مصر شد و در تاریخ ۲۲ دیسامبر ۱۹۵۶ پس از استقرار نیروی ملل متحد در خاک مصر نیروهای انگلیس و فرانسه خاک آن کشور را ترك نمودند همچنین پس از مذاکرات و فشارهای سیاسی بالاخره دولت اسرائیل نیز با عقب نشاندن نیروهای خود به پشت خط ترك میخاضمه ۹ ۱۹۴۹ موافقت نمود^(۱).

ت - اقدامات سازمان ملل متحد پس از جنگ ۱۹۵۶ تا ژوئن ۱۹۶۷

۱- نیروی امدادی ملل متحد در خاور میانه^(۲)

پس از اینکه دولت مصر با ورود افراد نیروی امدادی ملل متحد بخاک آن کشور موافقت نمود ۴ دولت عضو سازمان ملل متحد داوطلب شدند که تعدادی از افراد نظامی خود را برای شرکت در نیروی مزبور در اختیار سازمان قرار دهند.

۱- در مورد سیاست دولتین امریکا و شوروی باید متذکر شد که امریکا در تمام این مدت با اقدامات تهاجمی اسرائیل، فرانسه و انگلیس شدیداً مخالفت مینمود و عملاً نقش مؤثری در خروج نیروهای نظامی این سه کشور از خاک مصر و استقرار نیروی فوق العاده ملل متحد در سرحدات مصر و اسرائیل داشت. خروشیف نخست وزیر شوروی در تاریخ ۲۲ اوت ضمن حمایت از ملی کردن کانال سوئز اعلام داشت در صورت حمله بمصر داوطلبان شوروی بکمک مصر خواهند رفت. در روز ۶ نوامبر نیز دولت شوروی اینطور وانمود کرد که در صورت خودداری از قبول آتش بس سوشکهای آن کشور شهرهای فرانسه و انگلیس را مورد حمله قرار خواهند داد در تاریخ ۶ نوامبر شوروی مجدداً موضوع اعزام داوطلبان شوروی به مصر را عنوان نمود. البته دولتین انگلیس و فرانسه در اثر فشارهای امریکا در روز ۶ نوامبر با تشکیل نیروی فوق العاده ملل متحد و خارج نمودن قوای خود از خاک مصر پس از اعزام نیروی ملل متحد بمصر بطور ضمنی موافقت نموده بودند.

از میان این ۲۴ کشور ده کشور (برزیل، کانادا، کلمبیا، دانمارک، فنلاند، هند، اندونزی، نروژ، سوئد و یوگسلاوی) از طرف دبیرکل برگزیده شده و نیرو به مصر اعزام داشتند.

اولین واحد نیروی امدادی ملل متحد در تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۵۶ وارد خاک مصر شد و در اوائل فوریه ۱۹۵۷ استقرار نیروی مزبور در مصر بطور کامل انجام یافت. تعداد افراد نیروی فوق العاده در این تاریخ به ۶۰۰۰ نفر بالغ گردید(۱).

۱- بموجب قطعنامه‌ای که در تاریخ ۲۶ نوامبر ۱۹۵۶ بتصویب مجمع عمومی رسید یک حساب مخصوص برای تأمین مخارج نیروی امدادی ملل متحد بوجود آمد ولی مسئله تأمین هزینه این نیرو و همچنین اقدامات ملل متحد در کنگو موجب مباحثات و مذاکرات مفصل در سازمان ملل متحد شده اکثریت اعضاء ملل متحد بر این عقیده بودند که هزینه‌های مزبور قسمتی از هزینه سازمان ملل متحد را که در بند ۲ ماده ۱۷ منشور پیش‌بینی شده است تشکیل میدهد و بنابراین باید بین دول عضو به نسبت سهمیه آنها سرشکن شود. در این مباحثات نماینده دول فرانسه، شوروی و اکثریت دول اروپای شرقی اعلام داشتند که از شرکت در پرداخت مخارج مزبور خودداری نموده‌اند زیرا تصمیم مجمع عمومی در ایجاد نیروهای امدادی ملل متحد برخلاف نص صریح منشور که بموجب آن استفاده از نیروهای مسلح منحصر در صلاحیت شورای امنیت است اتخاذ گردیده است. این نظریه از طرف بعضی از دول دیگر نیز که با تشکیل نیروی امدادی ملل متحد موافقت نموده بودند جابجاری شد. در سال ۱۹۶۲ مجمع عمومی از دبیرکل خواست که نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری را در این باره استعلام نماید. سؤال این بود که آیا هزینه‌های مربوطه به نیروهای امدادی ملل متحد و سایر اقدامات ملل متحد در کنگو طبق بند ۲ ماده ۱۷ منشور جزء هزینه‌های عادی سازمان محسوب میگردد یا نه؟ نظر مشورتی دیوان در این باره در تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۶۲ صادر شد و در این نظر دیوان تأیید کرد که مخارج مزبور جزء مخارج عادی سازمان ملل متحد محسوب بقیه پاورقی در صفحه بعد

تعداد برخوردهای مرزی بین اعراب و اسرائیل در فاصله سالهای ۶۷-۱۹۵۶ بمراتب بیشتر از سالهای ماقبل بود. اعراب و اسرائیل هر روز خود را بیش از پیش برای جنگ آماده میساختند. وجود حالت جنگ هنوز بر روابط آنها باقی بود. اعراب هنوز هم از قبول موجودیت اسرائیل بعنوان یک کشور مستقل امتناع میورزیدند. از جمله عوامل جدید دیگر که به توسعه دامنه اختلافات کمک مینمود میتوان از سیاستهای دسته‌های افراطی در بعضی از کشورهای عربی و همچنین در اسرائیل و اقدامات پارتیزانی نهضت جنبش آزادیبخش فلسطین که از آوارگان فلسطین تشکیل شده است علیه اسرائیل نام برد. دکتر انصاری میگوید:

«این احساسات مخالفت آمیز نه تنها در مواضع آتش بس بین اعراب و اسرائیل مشاهده میشد بلکه در سازمان ملل متحد نیز چه مواقعی که شورای امنیت به تخلفات طرفین در مقررات آتش بس رسیدگی میکرد و چه هنگام طرح و رسیدگی گزارش کمیسر کل آوارگان فلسطین در مجمع عمومی دیده میشد. اعراب در مجمع بین‌المللی اینطور استدلال میکردند که اسرائیل بمفاد قطعنامه ۱۹۴ مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۸ مخصوصاً در قسمت آوارگان فلسطین عمل نمیکند و باین آوارگان اجازه مراجعت به موطن و خانه‌های اصلی خود را نمیدهد و تا موقعی که این موضوع حل نشود اعراب نخواهند توازنست که موجودیت اسرائیل را برسمیت بشناسند. برعکس اسرائیلی‌ها عقیده‌مند بوده و هستند که اعراب بایستی تمام مسائل مورد اختلاف را از طریق مذاکرات مستقیم با اسرائیل حل

بقیه پاورقی نژ صفحه قبل

میشود. مجمع عمومی نیز با اکثریت قابل ملاحظه‌ای نظر مشورتی دیوان را پذیرفت لیکن اختلاف کم‌و‌کم‌کان ادامه یافت و بالاخره قرار بر این شد که این مخارج را از طریق کمکهای داوطلبانه اعضای ملل متحد تأمین نمایند.

کنند و چون اعراب از مذاکره مستقیم با اسرائیل خودداری میکنند از آنجهت موضوع سراجعت آوارگان فقط بهانه برای حمله با اسرائیل میباشد بعلاوه همانطور که در بالا گفته شد اسرائیلیها میگفتند که قبول این عده کثیر اعراب که مدت چند سال تحت تأثیر تبلیغات شدید ضد اسرائیلی قرار گرفته اند به امنیت اسرائیل لطمه میزند و چون اعراب میخواهند این موضوع آوارگان را برای استفاده سیاسی پیوسته زنده نگاهدارند نمیخواهند که به راه حل‌های عملی این موضوع که با سرنوشت صدها هزار نفر بستگی دارد توجه کنند و این افراد را در کشورهای عربی پناه دهند همانطور که اسرائیل صدها هزار یهودی که از سایر کشورها به اسرائیل آمده اند پناه داده است. بدیهی است سیاست عمومی و منافع مختلف کشورها مخصوصاً کشورهای بزرگ نیز باین احساسات دامن میزد و باین ترتیب که این مدت یک محیط متشنج کم و بیش در روابط بین اعراب و اسرائیل موجود بود و طرفین باسید روزی بودند که با کسب قدرت بیشتر تکلیف رایکسره کنند(۱)».

در فاصله سالهای ۶۷-۶۸ سیاست دول معظم غربی همچنان حمایت از اسرائیل بود و سیاست اتحاد جماهیر شوروی نیز حمایت روز افزون از اعراب و وارد ساختن حملات لفظی شدید با اسرائیل بعنوان «عامل امپریالیسم و نئوکولونیالیسم». در هر مورد زد و خورد سرزی که به شورای امنیت مراجعه میشد شوروی کشور اسرائیل را متجاوز اعلام میداشت و با بکار بردن وتو، جلوی هرگونه تصمیم علیه اعراب را میگرفت.

۱- رجوع شود به صفحه ۵۵ جزوه «مسائل مطروح در سازمان ملل متحد»

ث - جنگ ژوئن ۱۹۶۷ اسرائیل و اعراب

در تاریخ ۱۶ مه ۱۹۶۷ دولت مصر طی یادداشتی خطاب به فرمانده نیروی امدادی ملل متحد در مصر از وی خواست که هرچه زودتر نیروی امدادی ملل متحد را از خاک مصر خارج سازد. دبیرکل ملل متحد پس از کسب اطلاع از یادداشت مزبور بعنوان اینکه او نمیتواند علیرغم میل کشور مستقلی قوای ملل متحد را در خاک آن کشور نگاهدارد بدون مراجعه موضوع بشورای امنیت یابه مجمع عمومی نیروی امدادی ملل متحد را از خاک مصر خارج کرد و باین ترتیب یکی از عوامل مؤثری که با احتمال قوی میتوانست از بروز جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در ژوئن ۱۹۶۷ جلوگیری کند از بین رفت. در همین اثناء دولت مصر محدودیت عبور از کانال سوئز را، که تا آن زمان در مورد کشتیهای اسرائیلی و کشتیهائیکه مقصد و یا مبدأ آنها اسرائیل بود بعنوان اینکه حالت جنگ بین مصر و اسرائیل هنوز خاتمه نیافته است و مصر کشور اسرائیل را برسمیت نشناخته است اعمال مینمود، شامل تنگه تیران نیز نمود^(۱). قرار دادهای دفاعی نیز بین مصر و سوریه واردن با مضاء رسید. همزمان باین اقدامات جنگ لفظی شدیدی بین اعراب و اسرائیل برقرار شد. دکتر انصاری میگوید: «هر لحظه بیم آغاز مخاصمات سیرفت، اسرائیل چون خود را از هر طرف محصور دید برای آنکه ظاهراً در چند جبهه مجبور به پیکار نشود در تاریخ ۵ ژوئن ۱۹۶۷ به قوای مصر حمله نمود و باین ترتیب جنگ بین اعراب و اسرائیل شروع شد». نیروی هوایی اسرائیل در فاصله بین ۵ الی ۱۰ ژوئن ضربه های سختی به نیروهای مصر، اردن و لبنان وارد ساخته تمامی اراضی فلسطین از جمله تمامی شهر بیت المقدس و قسمتی از اراضی مصر و سوریه را نیز بتصرف خود درآورد.

۱- تنگه تیران دهانه خلیج عقبه است که در انتهای آن بندر عقبه متعلق به اردن و بندر

الیات (Eliath) متعلق به اسرائیل قرار دارد.

شورای امنیت در روزهای ۶ و ۷ ژوئن بطور مکرر از طرفین مخاصمه میخواست که آتش بس اعلام دارند ولی جنگ تا روز دهم ژوئن ادامه داشت و بالاخره در روز ۱۱ ژوئن آتش بس بمورد اجراء گذاشته شد. پس از فروکش کردن آتش جنگ چه در داخل و چه در خارج از سازمان ملل متحد^(۱) تلاش برای پیدا کردن راهحلی برای اختلافات اعراب و اسرائیل بخصوص بین کشورهای عضو دائم شورای امنیت آغاز گردید. در تاریخ ۱۷ ژوئن ۱۹۶۷ بنا به پیشنهاد شوروی و تصویب شورای امنیت پنجمین اجلاسیه فوق العاده مجمع عمومی برای رسیدگی باختلافات اعراب و اسرائیل تشکیل شد. در این اجلاسیه مجمع عمومی با تصویب چند قطعنامه از طرفین ذینفع خواست که حقوق زندانیان جنگی و مردم غیر نظامی داخل در منطقه مخاصمه را مراعات نمایند. همچنین از اسرائیل خواست که از هرگونه اقدامی که موجب تغییر وضع شهر بیت المقدس شود خودداری نماید.

شورای امنیت نیز پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ قطعنامه های متعددی برای رفع بحران خاورمیانه عربی بتصویب رسانیده است. مهمترین این قطعنامه ها، قطعنامه شماره ۲۴۲ مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ است که باتفاق آراء بتصویب شوری رسید. این قطعنامه چنین اشعار میدارد:

«شورای امنیت با ابراز نگرانی مداوم نسبت بوضع خطرناک خاورمیانه».

«باتأکید غیر قانونی بودن تصرف اراضی دیگران بوسیله جنگ و لزوم کوشش در راه یک صلح عادلانه پایدار که در لوای آن هریک از کشورهای منطقه بتواند در امنیت بسر برد».

«مضافاً باتأکید باینکه کلیه کشورهای عضو با قبول منشور ملل متحد متعهد هستند که طبق ماده ۲ آن عمل نمایند».

۱- از جمله اقدامات خارج از سازمان ملل متحد میتوان از مذاکرات سران کشورهای امریکا و شوروی در Glassboro در تابستان ۱۹۶۷ و مذاکرات چهار کشور امریکا، فرانسه انگلیس، شوروی از ۱۹۶۸ بعد نام برد.

«۱- اعلام میدارد که مراعات اصول منشور ایجاب میکند که یک صلح عادلانه پایدار که شامل دو اصل زیر باشد در خاورمیانه برقرار شود» :

«الف - خروج نیروهای اسرائیل از سرزمین‌های اشغال شده در جنگ اخیر» ،
 «ب - پایان کلیه حالات و اوضاع جنگی و شناسائی و احترام به حق حاکمیت و تمامیت ارضی و استقلال هر یک از کشورهای منطقه و همچنین شناسائی و احترام به حق هر یک از کشورهای منطقه در زندگی در محیط مسالمت آمیز دور از تهدید و اعمال زور در داخل سرحدات مشخص و شناخته شده» ،
 «۲- همچنین موارد زیر را ضرور میداند» :

«الف - تضمین آزادی کشتیرانی در راه‌های آبی بین‌المللی منطقه» ،
 «ب - حل عادلانه مسئله آوارگان» ،

«پ - تضمین تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر یک از کشورهای منطقه با اتخاذ تدابیری از جمله ایجاد مناطق غیر نظامی» ،

«۳- از دبیر کل میخواهد نماینده ویژه‌ای برای فراهم ساختن موجبات توافق و اقدام بمنظور توفیق کوشش‌هایی که برای رسیدن به یک راه حل مسالمت آمیز منطبق با مقاد و اصول این قطعنامه انجام میگیرد تعیین نموده و به خاورمیانه اعزام دارد تا تماس‌های لازم را با دولت‌های مربوط ایجاد نماید .

«۴- از دبیر کل میخواهد در کوتاهترین مدت زمان ممکن گزارشی در مورد پیشرفت کار و مساعی نماینده ویژه خود تسلیم شورای امنیت نماید» .

در تاریخ ۲۳ نوامبر ۱۹۶۷ دبیر کل سازمان ملل متحد دکتر گونار یارینگ سفیر سوئد در مسکو را بعنوان نماینده ویژه خود عهده دار مأموریت مندرج در قطعنامه ۲۲ نوامبر شورای امنیت نمود . یارینگ سرکار خود را قبرس قرار داد . متأسفانه با وجود اقدامات پیگیر یارینگ طی سه سال و نیم اخیر هنوز نتیجه رضایت بخشی از اقدامات او گرفته نشده است . براساس موافقت‌هایی که صورت گرفت ناظران نظامی سازمان ملل متحد برای نظارت در مراعات آتش بس بین مصر و اسرائیل

و اسرائیل و سوریه در خط آتش بس قرار گرفته‌اند. با اینوصف زدو خورد های متفرق میان طرفین در خطوط آتش بس ادامه داشت از سپتامبر ۱۹۷۰ آتشبارهای مصر و اسرائیل در دو طرف کانال سوئز بمنظور ایجاد محیط مناسب برای توفیق مأموریت یارینگ سکوت کرده‌اند. در ابتدای کار یارینگ اعراب عقیده داشتند که قبل از هرچیز اسرائیل باید نیروهای خود را از مناطق اشغالی به پشت سرحدات ماقبل ه ژوئن ۱۹۶۷ ببرد. اسرائیل میگفت که قبل از شناسائی استقلال و حاکمیت ارضی آن کشور از طرف اعراب، نمیتواند سرزمینهای اشغالی را تخلیه کند.

در ماه مه ۱۹۶۸ دولت جمهوری متحده عرب اعلام داشت که قطعنامه ۲۴ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت را بدون هیچگونه قید و شرط میپذیرد و خواستار اجرای کامل آن است. دولت مزبور همچنین آمادگی خود را برای مذاکره از طریق یارینگ با اسرائیل بمنظور تعیین مراحل مختلف اجرای قطعنامه ۲۴ نوامبر اعلام داشت. دولت اسرائیل با وجود اعلام قبول قطعنامه شورای امنیت دائماً صحبت از اجرای آن قسمت از قطعنامه که مربوط به ایجاد قرار داد صلح بین اعراب و اسرائیل است نموده و میگوید که این کارتها از طریق مذاکرات مستقیم بین اعراب و اسرائیل امکان پذیر است. با این ترتیب در واقع دولت اسرائیل بروی موضوع تخلیه اراضی اشغالی سرپوش میگذارد. تا آنجا که صحبت از تخلیه اراضی اشغالی است دولت اسرائیل تا بحال موافقت خود را با تخلیه کامل تمامی اراضی اشغالی اعلام نداشته است و حتی همانطور که قبلاً نیز متذکر شدیم طی قانونی در تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۶۷ تمامی شهر بیت المقدس را از جمله قسمت قدیمی شهر که بیشتر اساکن مقدسه مذاهب سه گانه اسلام، یهود و مسیح در آنجا قرار گرفته است و تا قبل از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ در دست اردن بود، جزء خاک اسرائیل اعلام داشته است.

دولت جمهوری متحده عرب بخصوص طی ده ماه اخیر^(۱) بطور مکرر اعلام

نموده که حاضر است موجودیت اسرائیل را برسمیت بشناسد و با آن کشور قرار داد صلح امضاء کند و به کشتیهای آن کشور اجازه دهد مانند کشتیهای سایر سالک بطور آزاد از کانال سوئز و خلیج عقبه عبور کنند بشرط آنکه اسرائیل صحرای سینا و نوار غزه را تخلیه نماید.

البته در جستجوی یک راه حل پایدار برای اختلافات اعراب و اسرائیل نمیتوان وجود نهضت آزادی بخش فلسطین را که بعلت ادامه وضع رقت بار آوارگان فلسطین طی مدت بیست و چهار سال اخیر پابعرضه وجود گذاشته است نادیده گرفت. بصراحت باید گفت که هرگونه راه حلی برای حل اختلافات اعراب و اسرائیل بدون توجه به حل عادلانه مسئله آوارگان ناقص بوده و دوام و قوامی نخواهد یافت.

علاوه بر اقدامات نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد طی مدت سه سال اخیر^(۱) نمایندگان چهار کشور فرانسه، انگلستان، امریکا و شوروی بمنظور توفیق سماعی نماینده ویژه دبیر کل بطور مرتب بایکدیگر جلساتی داشته و سعی در ایجاد شرایط لازم برای اجرای قطعنامه ۲۲ نوامبر ۱۹۴۷ شورای امنیت مینمایند^(۲).

۱- از تابستان ۱۹۶۸.

۲- پرفسور Klinghoffer نسبت به سیاست شوروی در مورد مسئله اختلافات اعراب و اسرائیل اینطور مینویسد:

«The Soviets appear to proper a tens situation in the Middle East resulting from the Arab - Israel dispute , so shat they may side with the Arabs and therefore increase their authority among them. However direct Soviet interests ave not substantial , and possible Soviet intervention on behalf of the Arabs is not to be expected , considering the Soviet tradition of avoiding conflict and generally entering battle by proxy. The Soviets also wish to avoid a Middle

در واقع میتوان گفت که اکثریت قریب باتفاق کشورهای عضو ملل متحد خواستار اجرای قطعنامه سزبور هستند.

ج - رویه دولت ایران

همانطور که از مطالعه گزارش کمیسیون ویژه مجمع عمومی مأمور رسیدگی به مسئله فلسطین در سال ۱۹۶۷، از رأی منفی ایران به قطعنامه مجمع عمومی در مورد تقسیم فلسطین، از رأی مثبت ایران به قطعنامه ۱۱ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی در مورد مسئله آوارگان، از ابراز نظر صریح نماینده ایران در شورای امنیت سازمان ملل در ماه اکتبر ۱۹۵۶ مبنی بر اعتراض و حمله شدید به اعمال تجاوزکارانه اسرائیل، انگلیس و فرانسه در مصر^(۱)، از اعلامیه‌های متعدد دولت ایران از

بقیه پاورقی از صفحه قبل

East confrontation with the United States; it is partially in order to minimize the prospects of American intervention that the USSR has advocated a 'political solution' of the Middle East crisis.»

رجوع شود به صفحات ۹۱ الی ۹۲ مقاله پرفسور Arthur Jay Klinghoffer تحت عنوان: Evaluating the Soviet Role in the Middle East در مجله **Mizan**، جلد ۱۰، شماره ۳ (سورخ مه و ژوئن ۱۹۶۸).

۱- نماینده ایران در هفتصد و پنجاهمین جلسه شورای امنیت در روز ۳۰ اکتبر ۱۹۵۶ طی بیانات مسبوطی ضمن حمله به انگلستان و فرانسه در مورد بکار بردن و تو برای جلوگیری از تصویب قطعنامه شورای امنیت علیه اسرائیل گفت:

«I have heard nothing to justify the actions of the two governments. I hope that they realize the responsibilities which they are assuming in committing acts which are without precedent in the annals of the United Nations» .

بقیه پاورقی در صفحه بعد

ژوئن ۱۹۶۷، بیعد درمورد تجاوز مجدد اسرائیل به مصر و غیر قانونی اعلام داشتن تصرف اراضی دیگران از طریق بکار بردن اعمال زور و قوه قهریه برمیآید دولت ایران از ابتدای طرح مسئله فلسطین در سازمان ملل متحد بطور دائم سیاست حمایت از منافع مشروع اعراب را دنبال کرده است. حتی پس از ایجاد کشور اسرائیل و شناسائی آن کشور از طرف اکثریت کشورهای عضو ملل متحد دولت ایران بمنظور احترام به احساسات کشورهای عربی از شناسائی قطعی^(۱) آن کشور خودداری نمود و بمنظور حفظ منافع خود و ایرانیان مقیم اسرائیل تنها به شناسائی آن کشور به صورت موقت^(۲) اکتفاء کرد.

شاهنشاه آریامهر در تاریخ ۷ ژوئن ۱۹۶۷ اعلام داشتند که «دوره اشغال اراضی کشورها بزور قوه قهریه سپری شده است و هیچ نوع تصرفات اراضی با قدرت اسلحه قابل شناسائی نیست» وزیر امور خارجه ایران در بیست و دومین اجلاس هیئت عمومی گفت:

«بحران خاورمیانه پیش از هر سهمی ذهن ما را مشغول داشته است و با توجه به علایق مذهبی که ما را به ملل عرب پیوند میدهد خیلی طبیعی است که این مسئله را حائز اهمیت بسیار بدانیم و آنچه در قوه داریم بکار بندیم تا این مسئله بر اساس رضایت بخش حل گردد. نمایندگان محترم بخاطر دارند که در جلسه فوق العاده مجمع عمومی اظهار عقیده کردم که قدم اساسی در طریق وصول به راه حل صلحجویانه اینست که برای تخلیه سرزمینهای اشغالی ترتیب و تدبیری اتخاذ شود.

بقیه پاورقی از صفحه قبل

البته بخاطر داریم که انگلیس و فرانسه روز ۳۱ اکتبر به خاک مصر حمله بردند و در واقع حمله ۲۹ اکتبر اسرائیل به مصر باتبانی سه کشور صورت گرفته بود و بهمین دلیل دو کشور مزبور جلوی تصویب قطعنامه شورای امنیت را گرفتند.

۱- de jure

۲- de facto

جای بسی تأسف است که مجمع فوق‌العاده نتوانست طریق مناسبی برای اعمال این نظر پیدا کند. از لحاظ ماحقوق و امتیازاتی که بزور تحصیل شده است معتبر نیست. همانطور که شاهنشاه آریامهر در تاریخ هفدهم خردادماه ۱۳۴۶ اعلام داشتند: «آن روزگار که کشوری خاک کشور دیگر را اشغال و بزور نگهداری کند سرآمده و تردیدی نیست که باید ترتیباتی اتخاذ کرد تا آن قسمت از سرزمین‌های اعراب که طی مخاصمات جاری به تصرف اسرائیل درآمده است هرچه زودتر با اعراب بازگردد».

دولت ایران از حامیان سرسخت قطعنامه ۲۴ نوامبر ۱۹۴۷ شورای امنیت بوده و طی سالهای اخیر بطور دائم اجرای کامل آنرا با اسرائیل توصیه نموده است تا جائیکه در تاریخ ۲۱ اسفند ماه ۱۳۴۹ در بیانیه‌ای که بشکل سند شورای امنیت در مقر سازمان ملل متحد منتشر ساخت ضمن ابراز خوشوقتی از سیاست جمهوری متحده عرب مبنی بر اعلام آمادگی کامل برای اجرای قطعنامه شورای امنیت بر اساس پیشنهادهای یارینگ دولت اسرائیل را از مخالفت با پیشنهادهای مربوط به حل بحران خاورمیانه عربی برحذر داشت و اعلام نمود که در صورت سرپیچی اسرائیل از اجرای قطعنامه شورای امنیت دولت ایران جزم محکوم ساختن روش لجوجانه اسرائیل چاره‌ای نخواهد داشت.